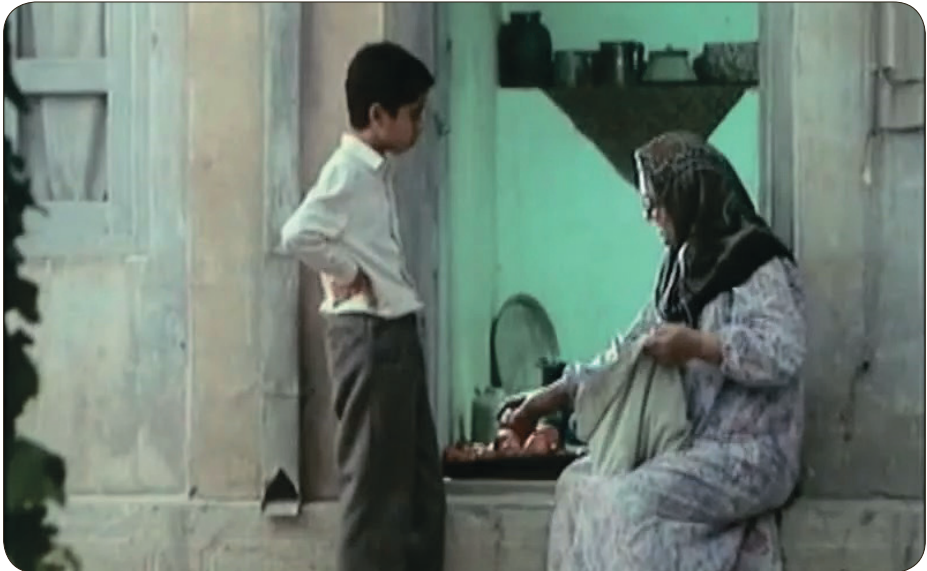


به بهانه بازی‌پخش یک سریال خاطره انگیز و به یادماندنی

# خاطره بازی با «قصه‌های مجید»



خدایابامرز بود. خواهر آقای پوراحمد پیشنهاد کرده بود که به مدرسه ما هم بیایند و از بچه های مدرسه ما هم تست بگیرند. به هر حال به مدرسه ما آمدند و از آن جایی که من هم در گروه تئاتر مدرسه بودم، من را همراه تعدادی دیگر از بچه ها صدا کردند و از ما خواستند بعدازظهر همان روز برای تست ویدئویی به منزل آقای پوراحمد برویم. به هر حال من تست دادم و در نهایت آقای پوراحمد صلاح دید که نقش مجید را به من بسپارد.

مهدی باقری یکی چند ماه پیش در گفت و گویی از دلایل نبودش در قاب تصویر گفت. این بازیگر دلیل اصلی نبودنش را این عنوان می‌کند: همه کارها در تهران و با گروه خودشان ساخته می‌شود؛ بنابراین کسی مارادیگر نمی‌بیند. باقری یکی در باره دلیل کم‌کاری‌اش طی این سال‌ها می‌گوید: کم و بیش به من پیشنهاد می‌شود اما راستش در این دو، سه سال اخیر خودم کار نکردم. از وقتی که کرونا آمد تا وقتی که تمام خودم متأسفانه من دائماً بیمار بودم و حدود ۱۰ تا ۱۵ بار به بیماری کرونا مبتلا شدم، بنابراین در آن مدت اگر کاری هم پیشنهاد می‌شد به خاطر خانواده‌ام بیشتر قبول نمی‌کردم. ان‌شاء... از این به بعد ببینیم خدا چه می‌خواهد. او ادامه می‌دهد: ضمن این که ما در شهرستان زندگی می‌کنیم و در این جا هم معمولاً کاری ساخته نمی‌شود و همه کارها در تهران ساخته می‌شود. هر کسی هم برای خودش یک گروهی دارد که با گروه خودش کار می‌کند. من خودم این روزها در بخش بیشتر مشغول ساخت یکسری مستند خاص هستم. به عنوان مثال اخیراً مستندی برای افراد مستضعف داشتم که حالت خیره‌ای داشت و گزینه دیگر کار خاصی ندارم. اصفهان شهر قشنگی است با موقعیت خوب اما از آن استفاده نمی‌کنند. بازیگر نقش مجید در سریال نوستالژیک قصه‌های مجید، در ادامه خاطرنشان می‌کند: همه بازیگران که نباید به شهر تهران بیایند تا کار کنند. به نظرم مدیران باید این تمرکز گری را کمتر کنند. وی سپس به حضور بازیگران تکراری در عرصه سینما و تلویزیون اشاره می‌کند و می‌گوید: هر کتالی که می‌بینیم یک سری افراد خاص هستند که مدام تکرار می‌شوند. در پلتفرم‌ها هم همین‌طور، در سینما هم وضعیت همین است. من از مردم می‌شنوم که دوست دارند تنوع ایجادشود. ما این همه افراد با استعداد داریم چرا فقط چند نفر هستند که مدام سر کارند؟! من خودم را نمی‌گویم چون واقعاً در این مدت دنبال کار نبودم و حس کار نداشتم. تازه پنج شش ماه است که راه افتادم و دوست دارم کار کنم.

این سریال ماندگار و دوست داشتنی تلویزیون آن سال‌ها که اهداف آموزشی و تربیتی‌اش با خلق لحظاتی شیرین از دریچه زندگی یک نوجوان متفاوت به نام مجید رنگ و بوی بسیار تماشایی داشت، به عنوان بازیگر حضور داشتند. بازیگرانی که نقش‌ها را با تمام وجودشان زندگی کردند و روایت‌هایی را پیش روی مخاطبان قرار دادند که با موسیقی روح‌نوازش در حال و هوای مناسب با جغرافیای داستانی اثر که در اصفهان می‌گذشت به شاخصی برای بازگشت به خاطرات گذشته‌ای تبدیل شد که اگرچه بیش از ۳ دهه از آن می‌گذرد اما همچنان دلمان می‌خواهد با گوش کردن موسیقی‌اش یاد نوستالژی‌هایی بیفتیم که انگار بر ایمان تمامی ندارد.

این ناصر چشم آذر، فقید بود که با تمام وجودش حس و حال نهفته در قصه را فهمیده بود، به همین خاطر تمام تلاش خود را به کار گرفت تا به عنوان یک آهنگساز تمام عیار و مسلط به موسیقی ایرانی فضایی را فراهم کند تا موسیقی متن و تیتراژ اثر در مسیری حرکت کند که «قصه‌های مجید» کیومرث پوراحمد را به یکی از مؤثرترین و پر مخاطب‌ترین سریال‌ها در تاریخ ساخت مجموعه‌های داستانی سینما تبدیل کند. گویی این که با شنیدن موسیقی تیتراژ سریال که اولین بار به گوشمان خورد، دیگر نمی‌توانستیم موسیقی دیگری را برای شنیدن و دیدن خوشمزه‌گی‌های مهدی باقری یکی و مواجهه‌اش با مادر بزرگ محبیط پیرامونی‌اش با آن لهجه ناب اصفهانی بپذیریم. موسیقی تیتراژ قصه‌های مجید انگار روایتی انگیزان از لهجه شیرین اصفهانی‌ها بود که هر مخاطبی را دعوت به تماشا می‌کند. موسیقی ای که در این سال‌ها کمتر سرائی را می‌توان از آن در مجموعه‌های داستانی سینما گرفت.

مهدی باقری یکی متولد دی ماه ۱۳۴۵ در اصفهان است. او فارغ التحصیل لیسانس رشته مهندسی کشاورزی است و با سریال قصه های مجید به شهرت رسید. او در سال ۱۳۹۲ با شرکت در انتخابات شورای شهر اصفهان توانست رای اول در شورای شهر این شهر را به خود اختصاص دهد و به عنوان اولین نفر با بیشترین آرای کسب شده به شورای شهر راه یابد. زمانی که آقای پوراحمد تصمیم گرفت «قصه های مجید» را بسازد در مدارس راهنمایی اصفهان تست می گرفت و دنبال یک نوجوان ۱۲ یا ۱۳ ساله می گشتند که با لهجه اصفهانی به طور کامل آشنا باشد. باقری یکی در این مورد گفته بود: مدرسه ما پشت منزل بی بی

پروین دخت یزدانیان در نقش بی بی، مهدی باقری یکی در نقش مجید، جهانپخش سلطانی در نقش ناظم مدرسه، مرتضی حسینی در نقش آقای حیدری، جمشید صدری در نقش مدیر مدرسه، محمد علی میانداری در نقش معلم سخت گیر ریاضی، بیژن رافعی در نقش معلم انشا و حسین حشمتی در نقش خیاط از جمله هنرمندانی بودند که در



## نمای نزدیک

نگاهی به همکاری‌های مشترک «هادی حجازی فر» با «مهرداد صدیقیان» و «ژیلا شاهی»

## این ۳ نفر

بازی «هادی حجازی فر» و «مهرداد صدیقیان» در سریال «داریوش» به موقعیت‌های جالبی رسیده و جنس این ارتباط هنری، ما را به یاد همکاری این دو بازیگر در «ماجرای نیمروز» و «پوست شیر» می‌اندازد. حجازی فر و صدیقیان در این سه اثر ارتباطی مشابه با هم دارند و هر بار در ماجرابی متفاوت جایگاهشان را نسبت به هم حفظ می‌کنند. حجازی فر معمولاً نقش بزرگ تر را برای صدیقیان ایفا می‌کند و روی او تسلط زیادی دارد. تفاوت شخصیتی میان آن دو در هر سه این آثار، به شکل گیری مسیر جالبی منجر شده است. در قسمت های اخیر سریال «داریوش»، نقش های رو در روی داریوش و وحید پر رنگ تر شده و وحید علیرغم میل باطنی با داریوش برای عملی کردن نقشه ملموس بودن روابط خانوادگی داریوش بود که با همکاری هادی حجازی فر، ژيلا شاهی و رایان سرل رقم خورد. حجازی فر و شاهی پیش از این در «موقعیت مهدی» و «پوست شیر» هم بازی در خشانی کنار هم به نمایش گذاشته بودند و حالا بازی آن ها در نقش یک پدر و دختر در قسمت ابتدایی «داریوش» بسیار به دل‌ها نشسته است. هم حجازی فر و هم شاهی جزو بازیگرانی هستند که برای رسیدن به این جایگاه تلاش زیادی کرده‌اند و بعد از سال‌ها تجربه به شهرت رسیده‌اند. تجربه همکاری‌های قبلی‌شان نشان داده در انتقال احساسات بسیار قدرتمند هستند و حالا در «داریوش» هم بازی در دست و دقتی کنار هم دارند. به بهانه پخش سریال «داریوش» نگاهی داریم به همکاری‌های مشترک «هادی حجازی فر» با «مهرداد صدیقیان» که شامل فیلم «ماجرای نیمروز»، سریال «پوست شیر» و سریال در حال پخش «داریوش» است. در ادامه مطلب و در بخش دوم آن به همکاری «هادی حجازی فر» با «ژیلا شاهی» در فیلم سریال «موقعیت مهدی (عاشورا)» و سریال های «پوست شیر» و «داریوش» تا بازی این ۳ بازیگر توانمند! مرور کرده باشیم.

### ماجرای نیمروز

### کارگردان: محمد حسین مهدویان

اولین همکاری هادی حجازی فر و مهرداد صدیقیان در فیلم سینمایی «ماجرای نیمروز» بود. حجازی فر نقش یک مامور به نام کمال را داشت که مدافع عملیات‌های ضربتی بود. صدیقیان هم نقش حامد، پسر جوان و تازه کاری را داشت. او تمایل زیادی داشت با تیم کمال همراهی کند و در عملیات‌ها حضور داشته باشد. او قصد داشت از پس یک کار مهم بر بیاید اما متوجه می‌شد با دختری قرار گذاشته که پیش از انقلاب فرهنگی و تعطیلی دانشگاه‌ها به او علاقه‌مند بوده و او بین عشق و وظیفه سرگردان می‌شد و کمال

هم با وجود تمام جدیتی که داشت در این مسئله عاطفی، به شیوه خودش با او همراهی می‌کرد. رابطه حجازی فر و صدیقیان در این فیلم یک جورهایی پدر و پسر ی بود. حامد شیفته عملکردما بودن کمال می‌شد و تجربیات زیادی را در هر سال می‌باو از سر می‌گذراند.

«ماجرای نیمروز» دومین فیلم مهدویان است و هم به خاطر سوز و ساختار فیلم و هم چنین بازی بازیگران مطرح آن در زمان اکران با استقبال زیادی روبه‌رو شد. در جشنواره سی و پنجم فیلم فجر، مهرداد صدیقیان برای بازی در این فیلم نامزد بهترین بازیگر نقش اول مرد شد و هادی حجازی فر هم نامش در فهرست نامزدهای بهترین بازیگر نقش مکمل مرد به ثبت رسید.

### پوست شیر

### کارگردان: جمشید محمودی

در سریال «پوست شیر» یک بار دیگر حجازی فر و صدیقیان کنار هم قرار گرفتند. این بار مسئله کم شدن ساحل، دختر نغم اساس این رابطه را هنری می‌ساخت. صدرا به ساحل علاقه داشت اما مدتی قبل از روده شدن ساحل، به خاطر یک اشتباه، او را از دست داده بود و بعد از ناپدید شدن ساحل تلاش می‌کرد با نغم برای جست و جو و انتقام همراه شود. نغم در شمالیل مردی زخم‌خورده که از چاقو کشیدن و کشتن ایایی نداشت به میدان آمده بود و ابتدا اجازه دخالت به صدرا از نمی‌داد. صدرا در نقطه مقابل شخصیت نغم، به عنوان پسری ساده و ترسو معرفی می‌شد که در کنار نغم رفتار فته‌رفته تغییر می‌کرد. او در طول سریال از یک جوان خام ساده به پسری جسور و عصیانگر تبدیل می‌شد و اعتماد به نفس بیشتری پیدا می‌کرد. او در این مسیر بارها مورد تحقیر قرار می‌گرفت و با سر و صورتی زخمی و کتک‌خورده طرد می‌شد اما باز هم امیدش را از دست نمی‌داد و از همراهی با نغم کنار نمی‌کشید. یکی از مهم ترین ویژگی‌های سریال، همین تقابل میان این دو شخصیت متفاوت بود. جنس رابطه آن‌ها بدون در نظر گرفتن محتوای اثر، شباهت زیادی به «ماجرای نیمروز» داشت. در آن جا هم صدیقیان به عنوان یک جوان تازه‌کار و کم‌تجربه با کمال عمل‌گرا و تندخو همراهی می‌کرد.

### داریوش

### کارگردان: هادی حجازی فر

در سریال «داریوش» به کارگردانی هادی حجازی فر، یک بار دیگر این دو بازیگر کنار هم قرار گرفته‌اند. جنس رابطه آن‌ها باز هم مشابه پوست شیر» و «ماجرای نیمروز» است. این بار داریوش در مرکز میدان قرار دارد و می‌خواهد برای پیدا کردن طلاهایی که روزگاری از ترس آن‌ها را رها کرده و رفته وارد عمل شود اما از آن جایی که به تنهایی از پس آن بر نمی‌آید، وحید را هم با خودش همراه می‌کند. این بار هم رابطه حجازی فر و صدیقیان، پدر و پسر ی و صدیقیان سعی کرده است جایگاه ضعیف‌تر نسبت به حجازی فر را به درستی بسازد. مثل «پوست شیر»، این بار هم وحید به دختر داریوش علاقه‌مند است اما برخلاف آن سریال، در این جا داریوش است که از علاقه وحید سوءاستفاده می‌کند و او را دنبال خودش می‌کشد. وحید برای رسیدن به دختر داریوش و بهبود وضعیت مالی‌اش تصمیم می‌گیرد علی‌رغم میل خودش با داریوش

همراه شود. رفتار هيجانی وحید در مقابل رفتارهای عجیب و با مزه داریوش راين رابطه هنری را جذاب‌تر کرده است.

### موقعیت مهدی (عاشورا)

### کارگردان: هادی حجازی فر

ژيلا شاهی پس از کسب تجربه بازی در فیلم‌های مختلف، اولین بار با بازی در فیلم سینمایی «قصر شیرین» به کارگردانی رضا میر کریمی بازی‌اش مورد توجه قرار گرفت. با این که مدت زمان حضورش در فیلم زیاد نبود اما به قدری ملموس و باورپذیر بازی کرد که به عنوان یکی از نقاط قوت فیلم مطرح شد و نامش در فهرست نامزدها به ثبت رسید. بعد از آن بود که هادی حجازی فر برای ایفای نقش صفيه، همسر شهيد «مهدی باکرى» از او دعوت به همکاری کرد. بازی

حجازی فر و شاهی در «موقعیت مهدی» و سریال «عاشورا» به قدری باورپذیر درآمده بود که در اکثر نقدها به عنوان یکی از مهم ترین ویژگی‌های فیلم سریال از آن یاد می‌کنند. ژيلا شاهی از یک طرف به خاطر تسلط روی زبان آذری، گزینه مناسبی برای این نقش بود و از سوی دیگر بسیار دقیق و درست توانست نقشش را در رفتار و کلامش به نمایش بگذارد. او ابتدای سریال وقتی کنار مهدی باکرى قرار می‌گیرد، کم حرف و آرام به نظر می‌رسد اما به شخصیتی اثرگذار تبدیل می‌شود. در ارتباط هنری میان این زوج خبری از بزرگ نمایی نیست و احساسات زنی که باید مدام در غیبت شوهرش زندگی را در انتظار بگذراند به شیوه بسیار درستی منتقل شده است. شاهی برای بازی این فیلم، نامزد دریافت سیمرغ جشنواره فیلم فجر شد.

### پوست شیر

### کارگردان: جمشید محمودی

همکاری حجازی فر و شاهی یک سال پس از «موقعیت مهدی» در «پوست شیر» به کارگردانی جمشید محمودی هم به شکل دیگری ادامه پیدا کرد. در این سریال، شاهی نقش همسر موقت دوست صمیمی حجازی فر را داشت. بعد از کم شدن دختر نغم، زندگی رضا پروانه هم تحت‌تاثیر مشکلات رفیقش قرار می‌گرفت و پای مژگان هم به این بحران باز می‌شد. شاهی در قسمت‌های ابتدایی سریال «پوست شیر» به نسبت نقش کم‌رنگی داشت. ترس از تنهایی، ترس از آینده و تلاش برای ابراز علاقه به رضا پروانه و ترغیب او برای ازدواج رسمی مشهود بود اما این نقش رفتار فته رنگ گرفت. با وجود سادگی که در چهره و رفتارش وجود داشت کم‌کم تغییراتی در زندگی‌اش ایجاد می‌کرد. شاهی در اواسط سریال به پای ثابت گروه نغم برای کشف راز کم شدن سایه تبدیل می‌شد و همراه آن‌ها به میدان می‌رفت. بخش مهمی از بار عاطفی سریال روی دوش این شخصیت بود. اگر چه او بازی رو در روی زیادی مقابل حجازی فر نداشت اما به عنوان یکی از مهره‌های اصلی سریال با تمجید زیادی روبه‌رو شد، بازی‌اش بسیار به چشم آمد و توانست جایگاهش را در عرصه بازیگری مستحکم‌تر کند.